



## ویژگیهای فراماسونری

علی اکبر - مهدی پور

(آخرین قسمت)

بخش نخست این مقاله را در شماره پیش  
خواندید اکنون دنباله بحث را مطالعه فرمائید

### ویژگیهای ماسونها

ماسونها یکدیگر را «برادر» خطاب می کنند ، و از درجه سوم به بالا را « استباد  
محترم » می گویند ، و تازه وارد هارا « شاگرد » می نامند .  
در میان ماسونها ، معاونت و همکاری کامل حکم فرماست . نعمت ها و ثروتها و مقامات  
دنیوی را به یکدیگر ، پیشکش می کنند (البته بضرر مستضعفین و مردم بدبخت) .  
در محافل و مجالس ، از دوستان و همقطاران خود به نیکی یاد می کنند و در تعریف و  
تمجید آنان مبالغه می ورزند . همواره می کوشند که دستگاههای تبلیغاتی و رسانه های  
گروهی را بدست آورند ، تا از هر فرصتی برفع خود استفاده کنند .  
اعضای محافل فراماسونری همواره مترصد اطراف و جوانب خود هستند ، که هر  
فرد برجسته ای را در هر رشته و فنی پیدا کنند ، و آن را که به نظرشان کردار و ورازدار باشد به  
سوی خود می کشند و در سلك خود می آورند .  
آنها معتقدند که دستگاه به هر گونه اشخاص احتیاج دارد ، و لذا اگر بکاره و یار قاصد ای

هم دامن همت به کمر بست ، در قاموس آنها مانعی ندارد .

از این رهگذر در دستگاه فراماسونری همه گونه آدم یافت می شود از کارگر و کارفرما گرفته ، تاپاپ و اسقف و امپراطور ، و از تاجر و دکتر گرفته ، تا فیلسوف و پروفیسور ، ممکن است اعضای صدیق این دستگاه باشد .

در دستگاه فراماسونری آنچه مطرح است ، کاردانی و رازداری ، و خدمت صادقانه به تشکیلات است از این رهگذر یک بدکاره و یا هنرپیشه نیز می تواند از اعضای فعال این سازمان باشد .

همه اعضاء و وظیفه استخباری دارند ، و مخالفین دستگاه را یادداشت کرده ، گزارش می کنند ، و به هر وسیله ای که ممکن است از پیشرفت آنها جلوگیری به عمل می آورند . ولی آدم های خود را ، هر چند کودن هم باشند ، به مقامات عالی می رسانند .

کسی که وارد دستگاه شد ؛ به هیچ وسیله ای جز مرگ ، نمی تواند از عضویت آن خارج گردد . و هرگز استعفا ی احدی را نمی پذیرند . و اگر کسی اسرار سازمان را افشاء کند ، با وسائل مرموزی او را ازین می برند ، و می گویند : برادر به خواب موقت فرورفت .

بزرگترین دشمن این دستگاه شیطان ، اسلام حقیقی است ، از این رهگذر با تمام قدرت از نشر تعالیم سازنده و ارزنده اسلام راستین جلوگیری می کنند و در نشر تشریفات خشک و بی روحی بنام اسلام ، در میان مسلمانان می کوشند .

عنوان فراماسونری در او اخر قرن هجدهم میلادی در جهان اسلام شایع گردید . و نخستین محفل رسمی در مصر ، سپس در عثمانی ( ترکیه امروز ) دائر شد .

از میان پادشاهان عثمانی که داخل دستگاه فراماسونری شدند ، می توان از سلطان مراد پنجم و پسرش پرنس صلاح الدین ، نام برد . و پادشاهی که مردانه و سرسختانه با این دستگاه شیطان جنگید ، سلطان عبدالحمید ثانی می باشد ، که مبارزه خود را بقیامت انقراض سلسله سلطنتی آل عثمان دنبال کرد . و از این میان روحانیان عثمانی که داخل این سازمان شدند ، شیخ الاسلام ، موسی کاظم افندی ، و وزیر اوقاف عثمانی ، خیر الله افندی ؛ را می توان نام برد . و در میان هزاران نفر از رجال عثمانی که سالک این طریقت بودند ، رشید پاشای معروف در رأس همه آنها قرار دارد ؛ که خدمات زیادی به این دستگاه انجام داده ، و در توسعه و ترویج آن کوشیده است .

پس از ترکیه نوبت به ایران رسید ؛ و نخستین محفل فراماسونری در ایران به نام « فراموشخانه » توسط « سرملکم خان ارمنی » ( Sir-Malcom ) تأسیس گردید . و متأسفانه در اوائل مشروطیت بسیاری از رجال ایرانی دانسته یا ندانسته داخل این دستگاه شدند .

دستگاه فراماسونری ، سازمانهای فرعی دیگری بنام باشگاههای : « لاینز » ( Lionsclub )

و «دائیز» (Dinerclub) و «روتاری» (Rotaryclub) دایر کرده ، و از این طریق « شیرمردان » و « شیرزنان » رابه خدمت صهیونیسم بین المللی می گمارد .  
جای شکفت است که غالب دانشمندان و روشنفکران ما آنچنانکه لازم است این دستگاه شیطانی را شناخته اند ، و به خطراتی که از این طریق جهان اسلام را تهدید می کند ، واقف نیستند .

### ● در خدمت اسرائیل

گفتیم که دستگاه فراماسونری زمانی بالاترین و امین ترین دستگاه جاسوسی برای امپراطور انگلستان بود ؛ و حالا در خدمت اسرائیل می باشد .  
برای تأیید این مطلب ، قسمتی از مقاله ای را که اخیراً در یکی از مجلات تهران منتشر گردید ، عیناً می آوریم :

... اولین رئیس جمهور آمریکا « ژرژ واشنگتن » بود که در بین سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۷ بر آمریکا حکومت کرد . وی از جمله رؤسای جمهوری آمریکا است که در لژ فراماسون الکساندریا واشنگتن ، استاد بود .

لژ فراماسونری در آمریکا بوسیله انگلستان تأسیس شد ، اماماموران انگلیسی به حدی به مردم احجاف کردند که در شهر «بستن» در قرن هیجدهم همه روشنفکران ، فرهنگیان ، تجار و طبقات مختلف مردم بستوه آمدند و علیه آنان برانگیختند . و برای رهائی یافتن از تعدیات سربازان قرمزپوش انگلستان قیام کردند . فراماسونها نیز به تبعیت از مردم قدم پیش گذاشتند . آمریکا استقلال یافت ، اما بساط فراماسونری بر جاماند . و هدف اصلی این سازمان هیچگاه تعطیل نشده است .

« بینامین فرانکلین » معروف هم جزء فراماسونهاست که در استقلال آمریکا دخالت داشته است « آبراهام لینکلن » معروف نیز . . .

رؤسای دیگر جمهوری آمریکا که در لژ فراماسونری وارد بودند و مبدأ تاریخ و احکام و فرامین آنان به زمان ساختن معبد سلیمان برمی گردد به ترتیب عبارتند از :  
« جیمز مونروئو » پنجمین رئیس جمهوری آمریکا (بین سالهای ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۵) که طرح عدم دخالت آمریکا در امور دنیای قدیم را پایه گذاری کرد ولی عملی نشد .

« اندرو جانسون » هفتمین رئیس جمهور آمریکا (بین سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۷) .  
« جیمز کدوکس پولک » یازدهمین رئیس جمهور آمریکا (بین سالهای ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۵) .  
« جیمز بوکانان » پانزدهمین رئیس جمهور آمریکا ، و بعد از او « آندرو جانسون » (هفدهمین)

« ابرام کارفیلا » (بیستمین) « ویلیام ماک کینلی » ، « تئودور روزلت » (بیست و ششمین) « ویلیام هاوارد تافت » (بیست و هفتمین) ، « وارن گامالی هاردینک » (بیست و نهمین) ، « فرانکلین روزلت » (سی و دومین) ؛ « هاری ترومن » (سی و سومین) ؛ « لیندن جانسون » (سی و ششمین) . . . . . بدین ترتیب از ۳۶ رئیس جمهور آمریکا ، ۱۶ تن ماسون بودند . بعد از جانسون ، نیکسون رئیس جمهور شد که گرفتار داستان واترگیت شد و مجبور به استعفا گردید . معاونش فورد به جای او نشست . واینک « کارتر » که عکسش را در جراند با عرقچین مخصوص خام های یهودی است در معبد یهودیان چاپ کرده اند ، رئیس جمهور آمریکا شده است . (رنگین کمان سال دهم شماره های ۱۵ و ۱۶) .

\* \* \*

. . . . اینک فرازی چند از نوشته های « آسوشتد پرس و کریسچن ساینس مانیتور » درباره خاورمیانه و نقش اسرائیل در انتخابات رئیس جمهور آمریکا ، را در اینجا می آوریم :

. . . . اعراب نظر مساعدی نسبت به « جیمی کارتر » ندارند ولی معتقد هستند کارتر علیرغم مطالبی که در طی مبارزات انتخاباتی خود مبنی بر پشتیبانی اسرائیل گفته بود ، نمی تواند خواست های اعراب را ندیده بگیرد . . . . اعراب از روی کار آمدن حزب دمکرات در آمریکا نگرانند زیرا معتقدند که دمکراتها بیش از جمهوری خواهان تحت فشار و نفوذ طرفداران اسرائیل قرار می گیرند . . . .

کشور اسرائیل در دوران زمامداری هاری ترومن بوجود آمد . و بزرگترین پیروزی نظامی را در سال ۱۹۶۷ در دوره ریاست جمهوری لیندن جانسون بدست آورد (که هر دو فراماسون بودند) .

عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اعراب در دوران ریاست جمهوری دوايت ایزنهاور **ریچارد نیکسون** و **فورد** صورت گرفت ، (که نیکسون بنام واترگیت که ساخته یهودیها بود مجبور به استعفاء شد ، و فورد هم به اسم خیال آزاد کردن دو نفر از محکومین واترگیت و ادامه سیاست نیکسون ، در آستانه موفقیت مسلم و محرز سقوط کرد) .

آن عده از رهبران عرب که سالها خیال می کردند آمریکا می تواند به میل خود از پشتیبانی اسرائیل دست بکشد ، اکنون دریافته اند که سیاست خارجی آمریکا باید مورد تأیید کنگرس قرار گیرد . . . . و نه تنها سیاست و اقتصاد آمریکا در دست اقلیت یهود است ، بلکه در شئون دیگر زندگی آمریکائی نیز این نفوذ به عناوین مختلف وجود دارد .

دستگاههای وابسته به تشکیلات فراماسونری در آمریکا ، از قبیل روتاری کلوب ، لاینز ، جمعیت تسلیحات اخلاقی ، جمعیت برادران جهانی ؛ و از همه خطرناکتر سازمانهای

مخوف « مافیا » و « کوزانسترا » و شعبه های آنها در سراسر جهان ، همه و همه يك هدف را دنبال می کنند . . . .

در تمام این سازمانها صحبت از آزادی، برادری ، برابری و تساوی حقوق است . . . . . ولی حاصل همه این بازیها باید به پیروزی اقلیتی که می خواهد بعد از دو هزار سال امپراطوری تشکیل بدهد تمام شود . . . . .

از این رهگذر باید همه مسلمانان یکدل و یکصد آیه شریفه « لتجدن اشد الناس عداوة للذین آمنوا الیهود - مائده ۸۲ - را بخوانند و بکار بندند و به مغز خود بسپارند و آنها را بزرگترین مصداق « هم العدو فاخذروهم - منافقون - ۴ » بدانند و چنین دشمنی را ناچیز نپانگاند.

پایان

### دنیالت : مکتب . . .

و بهره گیری یکجانبه و ویرانگر از يك غریزه و عشق ، و تحلیل بردن همه اصالت های دیگر وجود انسان است .

حتی خود آزادی شعب و ابهام مختلفی دارد که اگر در يك شعبه تعدیل نگردد منجر به - اسارت در شعبه دیگری می شود ، آزادی فکری ، آزادی فردی ، آزادی اجتماعی ، آزادی اقتصادی و مانند آن ، خواهیم دید چگونه « آزادی رقابت » در زمینه های اقتصادی و - آزادی بهره کشی فردی سراز انواع تضادها در می آورد .

و به زودی خواهیم دید که این آزادی اقتصاد کاپیتالیسم چه زنجیرهای اسارت و - استعمار سنگینی برای مردم جهان به ارمغان آورده است ، و چگونه دنیائی را بدسوی ویرانی و جنگ سوق می دهد.

(ادامه دارد)



## معنی و مفهوم محدودیت

### در آزادی



آزادی مشروط برای کودک ، مجازاست ، نه خودسری ، اولی کودک را خوشبخت می کند و دومی او را گرفتار و در مانده می سازد ، طفل از حدود دوسالگی مایل است آنچه را که می خواهد بدون چون و چرا عمل کند و کسی مانع او در انجام خواسته هایش نشود این همان امری است که از نظر تربیت نارواست ، و مربی ملزم به جلوگیری از آن است .  
 اکنون چگونه جلوگیری از آن را یاد آور می شویم :

**اولا** والدین یا مربیان می توانند بین خواسته های ناصواب کودک و هدف خودسدی حائل کنند ، بگونه ای که هم مانع ایجاد عقده کودک گردد و هم مربی را به هدف برساند و آن انتخاب روشی است که در آن خواسته های ما از زبان کودک بیرون آید و او حرف ما را بزند . این امر کاری شدنی است ولی هنر لازم دارد .

**ثانیا** برخی از تصمیم های نامعقول کودک را ، میتوان با مختصر اصلاحی ، جهت داد و با نظارت ها ، تذکرات و نوازش ها ، وادارش کرد که از خواسته های خود چشم پوشد .  
**ثالثا** در دادن آزادی به کودک به حدی که او در محیط منضبط خانواده بتواند مقدای از آن به چنگ آورد و در حد معقول ، از آن استفاده کند نباید کنترل پدید آید ، رعایت این خواسته تا حدودی او را تعدیل خواهد کرد .

و اینها آنجا که محدود کردن طفل ، لازم است اگر روش نرمش و ملایمت بکار رود ، طفل

آرام خواهد گرفت و برعکس آنجا که مقاومت و فشاری باشد ، کار به کتک کاری و فریاد کشیدن بکشد طفل ، اصلاح نخواهد شد پس از اعمال فشار شدید ، باید خودداری گردد .

### برای محدود کردن کودک

برای محدود کردن طفل ، روش‌هایی است که برخی از آنها را بشرح زیر یادآور میشویم :

۱ - کودکی که می‌خواهد برای وصول بهدنی ، اقدام کند ، یاراه کوتاهتری را در رسیدن به هدف ، برگزیند ، باعلم به این که او قادر به انجام چنان عملی نیست نباید مانع شد اگر ادمه راهش ضرر جانی و مالی و آبروئی ندارد ، باید آزادش گذارد تا آن راطی کند و عملاً دریابد که نمی‌تواند .

۲ - کودکی که دیگری را کتک می‌زند و آزار می‌رساند در صورت عدم فایده اندر زها باید تحت فشار ملایم ولی جدی قرار گیرد تا دست از عمل نامطلوبش بردارد .

۳ - کودک نباید پدر و مادر را کتک بزند اگر با علم بچنین امری ، والدین را کتک زد باید اصل و فرع را به او پس داد تا دیگر چنین هوسی نکند !

۴ - کودکی را که از راه بوالهوسی‌ها ، یا برای نشان دادن قدرت خود ، در آزادی دیگران اخلال می‌کند در صورت عدم تأثیر تذکرات ، باید با او مقابله به مثل شود تا مزه محدودیت را بچشد .

۵ - در آنچه که مضر به حال کودک است ، مانند خوردن چیزهای کثیف و دست زدن به ابزار و وسایل خطرناک و نیز هر آنچه که مضر به حال جامعه است .

در همه حال نباید فراموش کرد که آزادی برای کودک وسیله است نه هدف ، وسیله‌ای است که با سودجویی از آن ، بتواند ، فعالیت‌های معقول داشته باشد پس ضوابط و مقررات بر اساس يك منبع قابل احترام ، با توجه به شرایط رشد سنی ، جسمی و عقلانی کودک ، باید مورد نظر باشد .

### ضرورت تربیت برای آزادی مشروط

برای اینکه ادمه حیات مشروح برای کودک ممکن باشد ضروری است که به او آموخته شود که از برخی از آزادیها و خواسته‌های خویش ، بنفع اجتماع چشم‌پوشد ، و با در نظر داشتن آزادی دیگران ، آزاد باشد و وصول به چنین هدفی ضمن آگاه کردن تدریجی فرد به فلسفه و اسرار حیات ، نیازمند به تربیت و تجربه عملی است .

غرض این است که تنها با امر و نهی‌ها ، با تهدیدها و تشویق‌ها ، نمی‌توان کودک را از بی‌بندوباریها نجات داد و طفل هم بر اساس طبع سرکش و نافرمان خود ، طوری نیست که

در برابر مسائل و جریانات مخالف طبع ، سر تسلیم فرود آورد ، هم تذکر و پند لازم است و هم تهدید و تشویق و هم وارد کردن طفل به دنیای عمل ، بدانگونه که احساس کند ، درك نماید و بیاید . . .

### نکته مهم در محدود کردن کودک

محدود کردن ، غیر از سلب آزادی و قرار دادن فرد تحت استبداد و خفقان است ، می گوئیم کودک را باید تحت کنترل در آورد ، نمی گوئیم که باید او را به بند کشید ، میگوئیم باید او را مواظبت کرد که به خطر نیفتد ، نمی گوئیم که محیط زندگی را مرگبار ، توأم با شکنجه و عذاب کنید ، حتی که خداوند در نهاد آدمی گذارده قابل سلب و سرکوبی نیست بلکه برعکس باید شکفته و پرورده شود و این است مفهومی که ما برای محدودیت کودک در آزادی قائلیم .

### اساس فکر در محدود کردن کودک

اساس فکر این است که آزادی های بی بند و بار و بیله وورها گذاردن کودک نه تنها سعادتى برای او ایجاد نمی کند بلکه باعث آن می شوند که شخصیت اش در بند کشیده شود ، آزادی کودک را محدود می کنیم تا زمینه برای نمو و تکامل ، تجلی شخصیت ، بقای نسل ، حفظ نظم اجتماعی فراهم شود ، او بتواند وظایف اساسی خود را انجام دهد ، از قوای فطری خود بنحو صحیحی استفاده کند ، به تشکیل شخصیت بپردازد ، صدمه ای نبیند ، خطری متوجه خود و دیگران نکند .

خودخواهی ها ، آزمندیها ، ضعفها ، که در اندرون کودک لانه دارند منتظر فرصتی هستند تا خود را بنمایانند و اگر آن را تحت کنترل در نیاورند خطراتی برای خود و دیگران می آفریند ، بدین سان محبت های افراطی و آزاد گذاردن کودک ، بنفع او و دیگران نخواهد بود .

### آزادی در عین محدودیت

در عین اعتقاد به محدودیت بر این سخن تکیه می کنیم که کودک باید آزاد باشد و یا لا اقل وضع بگونه ای باشد که او ، خود را آزاد حس کند این امر ، از آن بابت ضروری است که روان او را از بندگی نجات دهیم و نگذاریم در آینده گوسفند و بره صفت شود مامی توانیم بسیاری از خواسته های مشروع و اندیشیده خود را ، در فکر او ، بگونه ای وارد کنیم که طفل آن را خواسته خود بیابد ، و احساس کند ، و با زبان خویش آن را بطلبد و باز گو نماید آن مربی که در سوی دیگر قطب حیات کودک ، قرار دارد و سعی می کند کودک را وادارد که همه رفتارش بی چون و چرا طبق نظر و خواسته آنها انجام شود ، شخصیت طفل را لگدمال کرده است .



### منبع ضوابط

برای استفاده از آزادی ضوابطی لازم است تا در سایه آن شرافت شخصی، حیات اجتماعی بهره‌مندی از امکانات، حصول سعادت، امکان‌پذیری شود و قوای او در جهت خیر قرار گیرد اما ضوابط و اصول، برای محدود کردن از کجا استخراج گردد؟

در پاسخ یادآور می‌شویم که در بسیاری از جوامع، اصول و ضوابط را از خواسته‌های اجتماع و نظرات آنها استخراج می‌کنند، مثل جوامع سرمایه‌داری، برخی از جوامع اصول و ضوابط را از مکاتب و فلسفه‌های حاکم بر شئون زندگی استخراج می‌نمایند مثل جوامعی که بر اساس قدرت احزاب، اداره می‌شوند و یا جوامع سوسیالیستی، کمونیستی و برای ما که تن‌به‌پذیر مذهب داده و می‌خواهیم ضوابط مذهبی را بر همه شئون زندگی و از جمله تربیت، حاکم کنیم چاره‌ای نیست جز آن که مقررات اسلامی را در این زمینه‌ها رعایت کنیم خوشبختانه متون اسلامی، پر است از اینگونه دستورات و امر و نهی‌ها.

### مورد محدودیت

اصل بر این است که طفل در انجام رفتارش، در اعمال نظرش آزاد باشد؛ محدودیت‌ها اموری عارضی هستند که در موارد ضرور مورد استفاده قرار می‌گیرند فی‌المثل طفل آزاد است بازی کند ولی مجاز نیست که شرف خود و خانواده را به بازی گیرد؛ او آزاد است که بدود، بجهد، حرکت و جنبش از خود بروز دهد ولی او هرگز نباید مجالی بیابد تا در آن به خودکشی بپردازد، صدمه و جراحتی بر خود و دیگران وارد آورد، موجب لطمه و آزار و زیانی به دیگران شود.

شک نیست که والدین نخست باید، معین‌کننده رفتار، مطلوب و یا نامطلوب است چه امری روا یا ناروا است، این‌امور باید برای خودشان و کودک مشخص باشد نه مبهم و نه مشکوک، تا در منع‌ها و آزاد‌گذااردن‌ها بلا تکلیف نباشند.

